پژوهشنامهٔ قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شمارهٔ ۳۳، پاییز و زمستان ۱۴۰۲
صص ۵-۲۴ (مقاله پژوهشی)

No. 33, Autumn & Winter 2023/ 2024

بررسی تطبیقی تعبیر جد در آیه «وَ أَنَّهُ تَعالی جَدُّ رَبِّنا» در منابع لغوی و تفسیری با یادمانهای تاریخی

محمدعلی مهدوی‌راد[۱]، حسین شجاعی[۲]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۷/۳ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۹/۲۵)

چکیده

فهم بسیاری از آیات قرآن کریم در گرو درک بافت تاریخی عصر نزول و فهم باورهای مخاطبان قرآن در آن عصر است. ناگفته پیداست که گزارش تاریخی موثقی که از ویژگی‌های تاریخی آن عصر سخن بگوید امروزه در دست نیست. با این وجود اما راه برای فهم وضعیت آن دوران نیز بسته نیست. یادمان‌های فیزیکی و فرهنگی به جای مانده از آن دوران، ظرفیت خوبی برای فهم بسیاری از موضوعات و مسایل آن عصر دارد. با کمک این یادمان‌ها می‌توان بسیاری از موضوعات و مفاهیمی که درک آن‌ها وابسته به فهم فضای نزول قرآن است را روشن نمود و بدین سان به فهم بهتر بسیاری از مفاهیم و موضوعات قرآنی کمک کرد. در میان یادمان‌های تاریخی، کتیبه‌ها یکی از مجموعه منابع ارزشمندی هستند که قابل استفاده برای فهم بهتر وضعیت تاریخی مفاهیم تاریخی و مبهم قرآنی می‌باشند. مقاله پیش‌رو نظر به این کاربرد کتیبه‌ها، در نظر دارد تا به باز تفسیر تعبیر «جدّ» در آیه سوم سوره مبارکه جن بپردازد. روش این پژوهش تاریخی است و در آن با گردآوری کتیبه‌های مرتبط با مفهوم مدنظر و خوانش آنها تلاش می‌شود تا معنای این واژه در عصر نزول قرآن به‌دست آورده شود. بررسی انجام شده در این پژوهش نشان می‌دهد که واژه «جدّ» به‌رغم نگرش قاموسی و فقه اللغه‌ای مفسران و لغویان، براساس شواهد کتیبه‌ای به جای مانده در شمال عربستان اسم علم خاص است که به نوعی خاص از خدایان اشاره می‌کند.

کلید واژه‌ها: بازتفسیر، جدّ، جن، سوره جن، کتیبه، یادمان تاریخی.

۱. استاد علوم قرآن و حدیث دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران، ایران، قم؛ mahdavirad@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران، ایران، قم (نویسنده مسئول)؛ shojaeihosein030@gmail.com

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

مقدمه

درک فضا و بافت در فهم هر متنی مدخلیت دارد. بافت به دو نوع زبانی[1] و موقعیتی[2] تقسیم می‌شود. بافت زبانی معطوف به واژه‌هایی است که قبل و بعد از یک واژه در جمله یا متن به کار گرفته می‌شود (باطنی، ۱۴۷) و با از بین بردن ابهام کلمه بدان معنای ویژه می‌بخشد (العموش،۳۰). بافت موقعیت اما به فضای محیطی حاکم بر تولید متن اطلاق می‌شود که هر چند در داخل متن بدان اشاره ای نشده است اما موجب رفع ابهام از جمله و متن می‌شود (همو، ۳۰).

فهم صحیح متن قرآن نیز همچون سایر متون در گرو درک درست و توامان بافت زبان و بافت موقعیت است. در حوزه تفسیر قرآن دستیابی به بافت زبان راحت‌تر از بافت موقعیت است؛ زیرا فضای نزول در دسترس مفسران قرار ندارد و فاصله‌ای تاریخی میان ایشان و فضای صدور متن حایل است. با این وجود اما چگونه می‌توان این فاصله تاریخی و فرهنگی را پر کرد؟ مخصوصا آنکه امروزه هیچ گزارش تاریخی قابل اعتمادی که به شکل مستقیم از وضعیت عرب در آن دوران سخن به میان آورده باشد در دست نیست.

رجوع به یادمان‌ها را می‌توان یکی از راهکارهایی به شمار آورد که بخشی از نیازهای موجود در این زمینه را رفع می‌نماید. در میان یادمان‌های تاریخی، کتیبه‌ها[3] و سنگ نوشته‌های[4] موجود در شبه جزیره از جمله منابع دست اولی به‌شمار می‌آیند که در عصر نزول نگاشته شده‌اند و می‌توانند اطلاعات دست اولی را از آن زمان در اختیار ما قرار دهند. البته پژوهش در عرصه کتیبه‌ها آسان نیست و دشواری‌های بسیاری دارد چرا که اولا زبان‌ها و الفباهای مورد استفاده در آن‌ها بسیار متنوع است و همین رمزگشایی از آن‌ها را دشوار می‌کند؛ ثانیاً، کاتبان کتیبه‌ها معمولاً با هدف صرفه‌جویی در فضای نگارش و همچنین نگارش سریع، مطالب را به شکلی مختصر می‌نویسند و همین در بسیاری از موارد

1 . Linguistic context
2 . Situational context
3 . Inscriptions
4 . Graffitis

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

لزوم تفسیر کردن آنها را می‌طلبد.

بدین روی فردی که علاقمند به مطالعه کتیبه‌های شبه جزیره است آشنایی مناسبی با خطوط و زبان‌های موجود در این منطقه را می‌بایست داشته باشد زیرا کتیبه‌ها و سنگ نوشته‌هایی که در این منطقه وجود دارد شامل خط‌ها و زبان‌های مختلف است (برای آشنایی با پراکندگی جغرافیایی زبان‌ها و نظام‌های نوشتاری عربستان پیش از اسلام نک: آقایی، خوانین‌زاده و مارکس، ۴۳)؛ برای مثال علاوه بر کتیبه‌هایی که به خط و زبان عربی حجازی، آرامی، عبری، سریانی، سبایی، نبطی و یونانی وجود دارد، در کنار آن کتیبه‌هایی که به شکل ترکیبی از خط و زبان استفاده نموده‌اند، نیز متعدد است و حجمی زیادی از کتیبه‌ها را می‌توان مشاهده نمود که با زبان عربی و خط سریانی، عبری، حسمائی، ثمودی، دادانی، نبطی- آرامی و یونانی نوشته شده‌اند. کتیبه معروف النمارة که در سال ۱۹۰۱ توسط رنه دوسو[1] کشف شد، نمونه‌ای از این نوع کتیبه‌هاست که به زبان عربی و به خط نبطی نگارش یافته است (برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد این کتیبه و محتوای آن نک: پیگو لوسکایا، ۶۹-۷۱).

در مجموع با وجود اهمیت کتیبه‌ها در فهم مفاهیم قرآنی اما کمتر پژوهش قرآنی را می‌توان سراغ گرفت که از این منابع استفاده قابل توجهی را نموده باشد و حال آنکه فهم معنای برخی از مفاهیم مبهم قرآنی ریشه در خوانش این منابع دارد. برای مثال یکی از مفاهیم مبهم قرآنی که به نظر می‌رسد با استفاده از خوانش کتیبه‌های تاریخی شبه جزیره می‌توان به معنای آن دست یافت، واژه «جدّ» در آیه سوم سوره جن است. در بررسی صورت گرفته پیرامون پیشینه پژوهش‌های صورت گرفته حول این موضوع، به غیر از آنچه مفسران و لغویان در مورد این واژه گفته‌اند، پژوهش مستقلی که به این آیه به طور عام و یا مفهوم «جدّ» به‌طور خاص پرداخته باشد، یافت نشد؛ از همین‌رو، مقاله پیش‌رو را از اولین آثاری می‌توان به‌شمار آورد که به واکاوی این مفهوم با استفاده از یادمان‌های تاریخی پرداخته است. در ادامه برای آنکه گزارشی از نحوه مواجهه لغویان و مفسران با این مفهوم

1 . René Dussaud

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

به‌دست آورده شود تلاش شده است تا این مفهوم در منابع لغوی و تفسیری کاویده شود و پس از آن با بررسی کتیبه‌های موجود به بازخوانی معنای این مفهوم پرداخته می‌شود.

۱- واکاوی معنای «جد» در منابع لغوی

در صورتی که «جدّ» را به مثابه یک مفهوم بنگریم یکی از مهم ترین منابعی که امکان فهم معنای آن را فراهم می‌آورد، منابع لغوی است. این منابع که به شکل حداکثری توسط مفسران نیز استفاده شده‌اند معانی مختلفی را برای این واژه بیان کرده‌اند. اولین معنایی که برای این واژه در منابع لغوی ذکر شده است پدرِ پدر یا پدرِ مادر یعنی پدربزرگ است (ابن‌درید، ۸۷/۱).

دومین منبع پربسامد و گسترده ای که بسیاری از لغویان برای این واژه ذکر کرده‌اند جلال و شکوه خداوند است (ازهری، ۲۴۵/۱). ایشان در تائید معنای مذکور به حدیثی از انس بن مالک اشاره نموده‌اند که گفته است: «اگر کسی سوره‌های بقره و آل‌عمران را می‌خواند/ حفظ می‌کرد، نزد ما جایگاهی بزرگ می‌یافت» (ابن‌درید، ۸۷/۱؛ ازهری، ۲۴۵/۱۰؛ ابن‌فارس، ۴۰۶/۱) در همین راستا نیز مراد از «جَدُّ ربِّنا» را بزرگی خداوند یا بی‌نیازی خداوند بیان کرده‌اند (فراهیدی، ۷/۶؛ ازهری، ۲۴۵/۱۰؛ اسماعیل بن عباد، ۳۹۱/۶؛ جوهری، ۴۵۲/۲؛ ابن‌سیده، ۱۸۴/۷).

دومین مؤیدی که لغویان برای اشاره «جدّ» به معنای بزرگی گرفته‌اند روایتی از ابن‌عباس است که گفته «اگر جنیان می‌دانستند که انسان‌ها جد دارند، عبارت «**تَعالی جَدُّ** ربِّنا» را نمی‌گفتند». احتمالاً مراد از جملهٔ ابن‌عباس این است که اگر جنیان نسبت به این موضوع آگاهی داشتند که انسان‌ها به پدرِ پدر خود جدّ می‌گویند، از آن عبارت که خداوند در سورهٔ جن آورده سخن نمی‌گفتند. سومین مؤید لغویان برای معنای بزرگی اشاره به حدیثی است که در آن تعبیر «تبارک اسمک و تعالی جَدُّک» به معنای شکوه و عظمت خداوند به کار رفته است (ابن‌منظور، ۱۰۸/۳). همچنین برخی دیگر از لغوی‌ها با اشاره به

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

حدیث اخیر آورده‌اند که مراد این است که خداوند با شکوه و بزرگی‌اش برتری داده شده است (طریحی، ۲۰/۳؛ زبیدی، ۳۷۷/۴).

سومین معنایی که در مورد این واژه بیان شده است بخت و اقبال است (فراهیدی، ۷/۶). چهارمین معنای بیان شده در مورد «جدّ» اشاره این مفهوم به فیض الهی است. راغب آورده است: فیض الهی به «جدّ» نام‌بردار شده است، بدین روی تعبیر: «**وَ أَنَّهُ تَعالی جَدُّ رَبِّنا**» در سوره جن نیز به معنای فیض الهی است. حتی وی معتقد است گرفتن معنای «جدّ» به عظمت و بزرگی خداوند به همان معنای نخست یعنی فیض الهی بازمی‌گردد و اضافه شدن «جدّ» به رب در سورهٔ جن به این دلیل است که می‌خواهد نشان دهد این فیض و بزرگی خداوند به فرمان‌روایی او اختصاص دارد (راغب، ۱۸۸).

پنجمین معنایی که اهل لغت در مورد این واژه گفته‌اند، فرمان‌روایی، سلطنت و حتی اصل خداوند است (مدنی، ۱۶۶/۵). عده‌ای نیز البته معنای حاشیه‌ای بهره‌مندی را برای این واژه در نظر گرفته‌اند که آنچنان شایع نیست (ابن‌درید، ۸۷/۱).

در مجموع نظر به بسامد معانی مطرح شده می‌توان دریافت که لغویان به طور غالب «جدّ» را به معنای عظمت، بزرگی و شکوه گرفته‌اند. البته در کنار این معنای غالب، معانی حاشیه‌ای دیگری همچون جد پدری و مادری، بخت و اقبال، فیض، فرمان روایی و سلطنت، خدا و بهره‌مندی نیز برای این واژه ذکر شده است.

۲- واکاوی معنای «جد» در منابع تفسیری

مفسران به نسبت لغویان معانی پراکنده‌تر و مختلف‌تری را برای «جدّ» در ذیل آیهٔ «**وَأَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا**» (الجن، ۳) بیان کرده‌اند. از جمله پرتکرارترین معانی مورد استناد مفسران در بیان معنای این تعبیر، فزونی یافتن فرمان‌روایی و سلطنت خداوند و همچنین جلال، بی‌نیازی، بزرگی، امر و یاد خداوند است (زید بن علی، ۳۵۰؛ مقاتل بن سلیمان، ۴۶۱/۴؛ عبدالرزاق بن همام، ۲۵۷/۲؛ ابن‌قتیبه، ۴۱۸).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

در کنار معانی فوق که غالب دیدگاه‌های مفسران در مورد معنای این واژه را در بر می‌گیرد، معانی دیگری نیز برای این واژه در نظر گرفته شده است. یکی از معانی جالب توجه در این زمینه گرفتن کلمهٔ «جَدُّ» به معنای فعل خدا است (طبری، ۶۵/۲۹) در پارهٔ دیگری از تفاسیر همچون آثار لغوی به کاربرد این تعبیر و معنای آن در برخی روایات اشاره شده است. برای مثال برخی احادیث از این مطلب سخن گفته‌اند که جنیان در نحوهٔ تعبیر خود از خداوند اشتباه کردند. برای نمونه در حدیثی آمده است: خداوند دارای جَد نیست و این عبارت را جنیان از روی ناآگاهی به خداوند نسبت دادند و خداوند نیز سخن آن‌ها را همانگونه که گفته بودند نقل کرد (طوسی، ۱۴۷/۱۰). بر این اساس، به نظر می‌رسد برخی مفسران از چنین احتمالی هم سخن به میان آورده‌اند که مراد از کلمهٔ «جَدُّ»، نیا یا همان پدربزرگ است که جنیان به اشتباه این تعبیر را دربارهٔ خداوند به کار برده‌اند. این حدیث در برخی دیگر از تفاسیر با عبارت‌های دیگری بازتاب یافته است. برای نمونه در یکی از تفاسیر به نقل از امام صادق ﷺ آمده است: سخن جنیان که گفتند «**وَ أَنَّهُ تَعالی جَدُّ رَبِّنا**» سخن دروغ آن‌ها بود که خداوند این سخن را همان‌گونه که جنیان مطرح کردند بازتاب داده است (قمی،۳۸۸/۲-۳۸۹).

برخی از مفسران کلمهٔ «جَدُّ» در تعبیر مذکور را به معنای بخت خداوند که فزونی یافته در نظر گرفته‌اند. برای نمونه در تفسیر قمی آمده است: عبارت «**وَ أَنَّهُ تَعالی جَدُّ رَبِّنا** ...» عبارتی است که جنیان گفتند و خداوند نیز از آن‌ها راضی نشد اما مراد از عبارت «جَدُّ رَبِّنا»، بخت خداوند است (همو، ۳۸۸/۲-۳۸۹). در برخی دیگر از تفاسیر نیز همین معنا برای «جَدُّ» در نظر گرفته شده و با اشاره به استعاری بودن این تعبیر آمده است: مراد بزرگی خداوند است که این بزرگی را باید استعاره از جدی دانست که مراد از بخت است (فیض کاشانی، ۱۳۶۰/۲).

یکی دیگر از معانی«جد» که مفسران بدان توجه کرده‌اند، تعالی یافتن صفات خداوند است. در تفاسیر به نقل از مجاهد آمده است که مراد تعالی یافتن، صفاتی از خداوند است

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

که مخصوص او محسوب می‌شوند و این صفات عبارت از صفاتی عالی هستند که هیچ یک از آفریدگان از آن بهره‌ای ندارند. افزون بر این از ابومسلم چنین نقل شده که مراد از آیه این است که خداوند در صفاتش تعالی یافت؛ یعنی شایسته نیست که صفاتی که بازتاب‌دهندهٔ جسمانیت است برای خداوند در نظر گرفته شود (طبرسی،۵۵۵/۱۰؛ دینوری، ۴۴۴/۲).

فخررازی مراد از آیه را اصل خداوند و فزونی یافتن این اصل دانسته است. وی در ذیل این سوره بیان می‌دارد که مراد از جد انسان، اصلی است که از او به وجود آمده است و بر همین اساس، جد مجاز از اصل محسوب می‌شود. از این‌رو مراد از «وَ **أَنَّهُ تَعالی جَدُّ رَبِّنا**...» اصل خداوند است و اصل خداوند نیز عبارت از حقیقت مخصوص خداوند که واجب‌الوجود است. بر همین اساس معنای آیه چنین می‌شود: حقیقت مخصوص خداوند از همهٔ جهات که بخواهد به دیگران وابسته باشد تعالی و فزونی یافت؛ زیرا او واجبی است که از همهٔ جهات واجب‌الوجود است (فخررازی، ۶۶۷/۳۰).

افزون بر این، فخر رازی از این مطلب هم سخن به میان آورده که مراد از آیه، راستین بودن ربوبیت خداوند و حق بودن الوهیت او است که موجب می‌شود همسر و فرزندی را برنگزیند. بر همین اساس، به نظر می‌رسد هنگامی که جنیان قرآن را شنیدند، نسبت به فساد عقیدهٔ جنیان کافر آگاهی یافتند و همین امر سبب شد تا در ابتدا از این عقیدهٔ شرک‌آلود بازگردند و سپس از دین مسیحیت روی‌گردان شوند (همو، ۶۶۷/۳۰؛ نیز برای مطالعهٔ دیگر تفاسیر که مراد از آیه را راستین بودن ربوبیت خداوند دانسته‌اند، نک: قاسمی، ۳۳۰/۹)

در پارهٔ دیگری از تفاسیر از این مطلب سخن رفته که مراد از جد، بهره و سهمی است که به جایگاه، مقام، بزرگی و فرمان‌روایی خداوند اشاره دارد. از نظر این مفسران بزرگی خداوند سبب شده تا همسر و فرزندی اعم از پسر یا دختر نداشته باشد. این در حالی است که عرب جاهلی چنین تصور می‌کرد که فرشتگان دختران خدا هستند اما جنیان این باور خرافی را تکذیب کردند (سیدقطب، ۳۷۲۷/۶).

در نهایت آخرین معنایی که برای این واژه در تفاسیر قرآن بازتاب‌یافته است همتا

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

دانستن «جد» با نعمت‌های خداوند و همچنین اشاره این مفهوم پیروزی خداوند بر کـافران به وسیلهٔ حجت خویش، پیامبر اسلام است (ثعلبی،۵۰/۱۰؛ طبرسی،۵۵۵/۱۰).

در مجموع چنانکه مشاهده شد مفسران نیز همچون اهل لغت آراء متفـاوتی را در بیـان معنای «جدّ» بیان داشته‌اند. دیدگاه‌های ارائه شده در این مورد به قدری متشتت اسـت کـه نمی توان به نظری واحد در این زمینه دست یافت. این امر بـه احتمـال زیـاد حـاکی از آن است که تعبیر مذکور حتی برای مفسران نیز روشن نبوده است و خاص بودن آن باعث شده است تا به دیدگاهی واحد نتوانند در این زمینه برسند.

حال که مبهم بودن این تعبیر و همچنین اختلاف نظر مفسران و لغویان در بـاب معنـای این واژه مشخص شد در ادامه با بررسی یادمان‌های تاریخی تلاش خواهیم کرد تا دست به بازخوانی این مفهوم بزنیم تا به دیدگاهی روشن و واضح در مورد معنای تعبیـر مـذکور در این آیه دست یابیم.

۳- بررسی معنای «جد» با توجه به یادمان‌های تاریخی عرب

همانطور که تا بدینجا مشخص شد، اختلاف دیدگاه‌هایی که در مورد تعبیر «جدّ» وجود دارد بسیار گسترده است. این بدان معناست که مفهوم مذکور از روشـنی و وضـوح بـالایی حتی در نزد مفسران و لغویان نیز برخوردار نبوده است. در مواردی که اختلاف دیـدگاه‌هـا بالا باشد، رجوع به سایر رویکردها و تلاش برای بازخوانی از طریق دیگر منابع مـی‌توانـد به عنوان راهکاری برای رسیدن به پاسخ به شمار بیاید. اما چه منبع و رویکردی مـی‌توانـد زمینه فهم این تعبیر را فراهم آورد؟ رجوع به بافـت نـزول قـرآن و خـوانش یادمـان‌هـای تاریخی باقی مانده از آن دوران یکی از راهکارهایی است که در چنین مـواقعی مـی‌توانـد زمینه فهم بهتر آیات قرآن را فـراهم آورد. بـرای آنکـه منظـور از یادمـان در ایـن بخـش مشخص شود در ابتدا توضیحاتی مختصر در مورد آن ارائه می‌شود و پس از آن به تحلیـل تعبیر مد نظر می‌پردازیم.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

۳-۱. تعریف و انواع یادمان

یادمان‌ها، در حقیقت بقایا، آثار و بازمانده‌هایی تاریخی هستند که بدون هیچ آنکه هدفی برای حفظ و بقای آن وجود داشته باشد از گذشته به‌جا مانده‌اند و دارای اطلاعات بسیاری از زمانه‌ای که در آن تولید شده‌اند هستند. یادمان‌ها برخلاف متون و گزارش‌های تاریخی که توسط مورخان حرفه‌ای و با هدف ارائه آگاهی از گذشته نگاشته می‌شوند، توسط عموم مردم و بدون غرض ارادی برای تاریخ نگاری تولید می‌شوند؛ همین نیز باعث شده است تا اعتبار این نوع از داده‌ها نسبت به گزارش‌های تاریخی بیشتر باشد (پاکتچی، ۴۴-۴۵).

یادمان‌ها با توجّه به ماهیّت‌های متنوعی که دارند، به دو دسته «یادمان‌های فیزیکی»[1] و «یادمان‌های فرهنگی»[2] تقسیم می‌شوند. «یادمان‌های فیزیکی» خود به دو دسته منقول[3] و غیرمنقول[4] تقسیم می‌شوند. یادمان‌های منقول خرده یادگارها و شواهد کم حجمی هستند که می‌توان آنها را برای آزمایش و بررسی به آزمایشگاه برد و احیانا در موزه به نمایش گذاشت. کتیبه‌ها، سنگ نوشته‌ها، نقاشی‌ها، ابزارها، سلاح‌ها، زینت‌آلات، ظروف، وسایط نقلیه و بسیاری دیگر از اشیاء میراث ملموس منقول هستند. اما میراث ملموس غیرمنقول، ساختمان‌ها، منازل، معابد، کانال‌ها، خندق‌ها، کوره‌های معدنی و بسیاری دیگر از بناهایی هستند که امکان جابجایی و حمل برای آنها معنا ندارد (چایلد، ۴-۵).

برخلاف «یادمان‌های فیزیکی» که وضعیتی ملموس و محسوس دارند، «یادمان‌های فرهنگی» از جنس بقایا و رسوبات فرهنگی هستند که بدون آنکه قصد و اراده‌ای برای بقای آنها وجود داشته باشد، از اعصار کهن برای ما باقی مانده‌اند و تاکنون نیز حفظ شده‌اند. این نوع از یادمان‌ها نیز به دو دسته لفظی و غیرلفظی تقسیم می‌شوند. الفاظ و واژگان، نام‌ها و ضرب‌المثل‌ها از زمره یادمان‌های لفظی؛ آداب و رسوم، سنت‌ها، آئین‌ها، نمادها و سرگرمی‌ها از جمله یادمان‌های غیرلفظی به‌شمار می‌آیند.

---

1 Physical Monuments
2 . Cultural Monuments
3 . Movable
4 . Immovable

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

پژوهشگری که درصدد واکاوی مفـاهیم و مسـایل در بافـت تـاریخی خـود اسـت بـا بهره‌گیری از این مجموعه یادمان‌ها می‌تواند به مطلوب خود در این زمینه دسـت یابـد. در ادامه تلاش می‌شود تا با بهره‌گیری از این نوع یادمان‌ها به‌خصـوص یادمـان‌هـای فیزیکـی منقول دست به واکاوی معنای «جدّ» در عصر نزول زده شود.

۳-۲. بررسی معنای«جدّ» در پرتو یادمان‌ها

همانطور که گفته شد، یادمان‌ها به دو دسته فیزیکی و فرهنگی تقسیم می‌شوند. یکـی از انواع یادمان‌های فیزیکی، کتیبه‌ها و سنگ نوشته‌های تاریخی هستند. برخلاف تصوری کـه در مورد فراگیری سواد در شبه جزیره وجود دارد امـا حجـم انبـوهی از آثـار کتیبـه ای و سنگ نوشته در این منطقه وجود دارد که به صراحت ادعای مذکور را زیر سـوال مـی‌بـرد. شمار زیادی از این کتیبه‌ها و سنگ نوشته‌ها امـروزه در در سـایت[۱] Digital Archive for the Study of Ore-Islamic Arabian Inscription و همچنـین سـایت[۲] The Khalili Research Centre وجود دارد که علاوه بر تصویر، متن خوانش شده آنهـا نیـز دسـت یـاب است. این البته به غیر از مجموعه آثار مکتوبی است کـه از پژوهشـگرانی چـون کریسـتین روبن (برای نمونه نکـ : Robin, 2016)، احمد الجلاد (برای نمونـه نکـــ : Al-Jallad, 2022)، لیلی نعمه (برای نمونـه نکـــ : Nehmé, 2018) و مایکـل مـک دانلـد (بـرای نمونـه نکـــ : Macdonald, 2021) نگارش شده است.

در صورتی‌که نظر به این سنگ نوشته‌ها داشته باشیم و به دنبال پیجویی مفهوم پیش رو از دریچه آنها را داشته باشیم در ابتدا به نکته ای مقدماتی مـی‌بایسـت توجـه نمـاییم و آن تغییر و تبدل‌های حروف به یکدیگر در این نوع کتیبه‌هاست. تعبیـر «جـدّ» در کتیبـه‌هـای موجود نه بدین صورت بلکه به شکل مکتوب «گد» نوشته می‌شود و این به سبب آن است که حرف جیم در زبان صفائی و به طور کلی در تمامی زبان‌های سـامی بـه صـورت /گ/

---

۱. آدرس سایت: dasi.cnr.it

۲. آدرس سایت: https://krc.web.ox.ac.uk/article/ociana

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

تلفظ می‌شود و تنها در زبان عربی است که این حرف به صورت/ج/ تلفظ می‌شود(Leslau, p.XXVII). بدین روی واژه «گد» در سنگ نوشته‌ها را معادل «جد» باید دانست.

با این توضیح مقدماتی حال باید گفت تعبیر «گد» یا همان «جد» یکی از واژگانی است که به شکل مکرر در سنگ نوشته‌های صفائی یافته شده در شمال عربستان قابل مشاهده است. احمد الجلاد کتیبه شناس و متخصص خط و زبان صفائی در کتاب اخیر خود با عنوان « The religion and rituals of the nomads of pre-Islamic Arabia: a reconstruction based on the Safaitic inscriptions » دست به خوانش سنگ‌نوشته‌ها و کتیبه‌های دینی کاووش شده در منطقه مذکور زده است. در ادامه برای آنکه تصویری روشن از استعمال این تعبیر و کاربردهای آن به‌دست آورده شود، متن بازخوانی شده این سنگ نوشته‌ها که به زبان عربی و خط صفائی نگاشته شده و توسط احمدالجلاد بازخوانی و همچنین ترجمه شده است آورده می‌شود.

سنگ نوشته اول:

متن سنگ نوشته:

ḏbḥ l-gdḏf wqyt m-bʾs
(Al-Jallad, P.19)

ترجمه سنگ نوشته: او برای جدّ–ضیف قربانی کرد تا از بدبختی (بأس) در امان بماند.

سنگ نوشته دوم:

متن سنگ نوشته:

ḏbḥ f h gdʿwḏ slm w trd f rmd bqr snt ʾty ʾ-ṣf qr
(Al-Jallad,P.21)

ترجمه سنگ نوشته: او یک حیوان را قربانی کرد. پس ای جدّ–عویذ! باشد که او امان و نعمت یابد؛ زیرا امسال گاوها یخ زدند؛ بر اثر سرما در اوایل تابستان.

سنگ نوشته سوم:

متن کتیبه:

ḏbḥ w ʾśrq f h gdʿwḏ w h dśr slm w mgdt
(Al-Jallad, P.22)

ترجمه سنگ نوشته: او حیوانی را قربانی کرد و سپس به سوی درون صحرا حرکت کرد، پس ای جدّ – عویذ و دوسار، امنیت و برکت ده!

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

سنگ نوشته چهارم:

متن سنگ نوشته:

ḏbḥ l-gdḏf f h lt slm w mgdt
(Al-Jallad,P.26)

ترجمه سنگ نوشته: او برای جدّ- ضیف قربانی کرد، پس ای لات! پس او در امان و فراوانی باد.

سنگ نوشته پنجم:

متن سنگ نوشته:

w dṯʾ h-wrd w nṣb ʾlt dṯn f h gdʿwḏ slm w l-h h-ḫṭṭ
(Al-Jallad, P.29)

ترجمه سنگ نوشته: و او فصل باران‌های بعدی را در زمین پست/ مکان پرآب گذراند و برای الهه دثن سنگی (نصب) برپا کرد، پس ای جدّ-عویذ در امان بدار، و این حجاری‌ها از آن اوست.

سنگ نوشته ششم:

متن سنگ نوشته:

l ʾnʿmwtdy h ltw dśrw bʿlsmnw gdḥr…w gdnbṯw gdwhbʾlw kll ʾlh b-h-smy…
(Al-Jallad, P.59)

ترجمه سنگ نوشته: سوگند به انعام و او ندا داد: ای لات، دوسار، بعل- سمین، جدّ- حر...، جدّ- نبط، جدّ-وهبیل و هر خدایی در آسمانها...

سنگ نوشته هفتم:

متن سنگ نوشته:

ʾśrq f h gdḏf slm
(Al-Jallad, P.62)

ترجمه سنگ نوشته: او به سوی درون صحرا رهسپار شد، پس ای جدّ-ضیف، در امانش بدار!

سنگ نوشته هشتم:

متن سنگ نوشته:

h lt w gdʿwḏ w śʿhqm w dśr b-ḫfrt-k ʿwḏ-k
(Al-Jallad, P.65)

ترجمه سنگ نوشته: ای لات و جدّ-عویذ و شیحقّوم و دوسار، از هدایت شماست که حمایتتان برخاسته است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

سنگ نوشته نهم:

متن سنگ نوشته:

l ʾdm bn whbʾl bn ẖl bn whbl bn ʾdm bn ḥḍg bn swr w ẖrṣ f {h} lt nqmt m-ḏkr bn ẓlm f h lt nqmt w h bʿlsmn w śʿhqm w dśr w ʾlh tm w gdḍf w gdnbṭ wʾlh h-fls nqmt w ʿwr ḏ yʿwr h-sfr w sḥq w mḥq w nqʾt b-w{d}d ḏ yẖbl m-h-sfr

(Al-Jallad,P.87)

ترجمه سنگ نوشته: سوگند به آدم پسر وهبل پسر خل پسر وهبل پسر آدم پسر خضج بن صور و او ناظر بود. پس ای لات! پس اجازه ده مجازات شود ذکر پسر ظلم، و ای لات! باز هم مجازات شود. و ای بعل – سمین و شیحقّوم و دوسار و خدای (قبیله) تیم و جدّ– ضیف و جدّ– نبط و خدای حفالس، عذاب و مجازات ده! و هرکس که این کتیبه را محو کند، کور باد! و هلاک و مصیبت به او رسد، هر کس که قسمتی از این کتیبه را محو کند و (در نهایت) به دست عزیزی از قبر بیرون کشیده شود!

سنگ نوشته دهم:

متن سنگ نوشته:

l sʿd bn mrʾ bn nr w wgm ʿ[l-]ʾẖ-h nr qtl-h ʾl-{n}bṭy ⟨⟨m⟩⟩{r}ʿy nʿm ʿwḏ w ḍf f h lt mʿmn w ʾlt dṯn w gd[ʿ](w)ḏ w gdḍf ṯʾr m-ḏ ʾslf w wlh k{b}{r} sḥr ʿl-ʾẖ-h ḥbb-h l-ʾbd

(Al-Jallad, P. 87)

ترجمه سنگ نوشته: سوگند به سعد بن مرء بن نُر، و او برای برادرش نرُ غمگین بود که نبطیان او را کشتند، هنگامی که او داشت چارپایان قبایل عویذ و ضیف را میچراند. پس ای لات! از أمن و الهه دثن و جدّ– عویذ و جدّ– ضیف، به او اجازه بده انتقام گیرد از کسی که این جرم را مرتکب شد و او (پیوسته) پریشان بود، با قلبی شکسته برای برادرش.

از خوانش اولیه این سنگ نوشتهها در ابتدا دو نکته قابل اهمیت را میتوان برداشت کرد. اول اینکه «جدّ» در تمامی این آثار بهعنوان علم خاص به کار برده شده و دوم اینکه «جد» در تمامی موارد استعمالش نه به شکل مستقل بلکه به همراه یک سری از

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

مضاف‌الیه‌ها آورده شده است که همگی اسامی قبایل عرب بوده‌اند (علی، ۳۲۳/۶).

توضیح بیشتر آنکه مبتنی بر محتوای این سنگ نوشته‌ها «جدّ» در حقیقت نام خاص یک خدای محافظ بوده است چه آنکه در همه این سنگ نوشته‌ها به طور مشترک از او درخواست می‌شود تا ایشان از بلا و گرفتاری در امان داشته شوند. جالب آنکه گویا بر خلاف لات و سایر الهه‌هایی که در این کتیبه‌ها ذکر شده است، هر قبیله ای به شکل اختصاصی «جدّ» مخصوص به خود را نیز داشته است.

نکته قابل تأملی که در این بخش تا حدی می‌تواند نقطه اتصال جالب توجهی میان این متون کتیبه‌ای با آیه سوم سوره جن باشد آن است که براساس پژوهش‌های تاریخی «جّد» خدایی از جنس جن بوده است (همو، ۳۲۳/۶). این خدا که بیشتر در شمال غربی شبه جزیره در میان نیمه بدویانی که در سرحدات صحرای سوری عربی به زندگی کوچ نشینی می‌پرداختند پرستش می‌شده، وظیفه‌اش حفظ و حراست از صحرانشینان بوده است (فهد، ۶۰-۶۱). از روی استعمال این واژه در قرآن و همچنین وجود اسم خاص مذهبی چون «عبدالجَدّ» (ابن کلبی، ۳۰۲/۱) در میان اسامی افراد در شبه جزیره می‌توان دریافت که علاوه بر قسمت‌های شمالی شبه جزیره در قسمت مرکزی و جنوبی منطقه نیز با این خدا آشنایی لازم وجود داشته است و حتی باورهایی نیز حول آن شکل گرفته بوده است (Gesenius, p. 151).

جالب آنکه پرستش «جدّ» نه فقط در میان عرب بلکه در سایر فرهنگ‌ها و اقوام سامی و غیر سامی نیز مسبوق به سابقه بوده است. از این خدا در کتاب مقدس عبری نیز با عنوان גָּד (گَد) نام برده شده است، که اشاره به یک خدای الحادی و غیرتوحیدی دارد (کتاب اشعیاء، ۶۵: ۱۱). علاوه بر این در کتیبه‌ها و سنگ‌نوشته‌های فنیقی و آرامی و همچنین آثار پهلوی، «جد» خدای بخت و اقبال دانسته است (برای کسب اطلاعات بیشتر نکـ : Gesenius, p. 151؛ مشکور، ۱۳۵۷، ص ۱۳۱؛ مشکور، ۱۳۴۶، ص ۴۹). البته نظر به کارکرد اخیر در سایر فرهنگ‌ها به نظر می‌رسد بخت و اقبال در حقیقت معنایی انضمامی

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

برای «جدّ» به شمار می‌رفته است که خود برگرفته از تامین امنیتی که این خـدایان ایجـاد می‌نمودند برگرفته شده است.

البته مقوله پرستش و پناه بردن به جن‌ها مسئله ای نیست که فقط از کتیبه‌ها بـدان پـی برده شود، بلکه در خود قرآن نیز بارها در آیاتی چون «وَ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكاءَ الْجِـنَّ» (الانعـام، ۱۰۰)، «بَلْ كانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ» (سبأ، ۴۱)، «وَ أَنَّهُ كانَ رِجـالٌ مِـنَ الْـإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزادُوهُمْ رَهَقـاً» (الجن، ۶) به شکل مستقیم از این مسئله صحبت شده است. حتی در مورد آیاتی چون «إِنَّ الَّذينَ تَدْعُونَ مِـنْ دُونِ اللَّـهِ عِبـادٌ أَمْثـالُكُمْ» (الاعـراف، ۱۹۴) گفته شده است که آیه به طور غیرمستقیم به پرستش اجنه توسـط تیـره بنـوملیح از خزاعه اشاره نموده است (ابن‌کلبی، ۳۴). فراگیری این نوع پرستش به قدری بوده است کـه حتی بازتاب آن را در نام گذاری‌های عرب بـه اسـامی چـون «عبـدالجن» نیـز مـی‌تـوان مشاهده کرد (ابن حزم، ۴۲۹/۲)

با این وجود اگر به دنبال دلیلی برای پرستش اجنه در شبه جزیره باشیم به نظر می‌رسد در امان ماندن از شر این موجودات و اخذ حمایت آنها اصلی ترین دلیلی به شمار مـی‌آیـد که می‌تواند این پرستش را توجیه نماید (شبلی، ۱۱۹؛ دلو، ۱۵۳/۲-۱۵۴)، مخصوصا آنکـه گزارش‌های متعددی در آثار وجود دارد که از نقش اجنه در ایجاد طوفان و گردباد (بـرای نمونه نکـ : بحرانی،۶۴/۲-۶۶)، ربودن اموال انسان‌ها (برای نمونه نکـ : مسـعودی، ۱۵۲-۱۵۳) و کشتن ایشان (برای نمونه نکـ : ابـن‌سـعد، ۴۶۲/۳-۴۶۳؛ جـاحظ، ۲۰۶/۶-۲۰۷) سخن گفته است. برای مثال گفته می‌شود که از نظر عـرب هـر وادی مالـک و صـاحبی از جنس جنّ داشته است که بر آنجا حکم می‌رانده است. این جنیان کـه عـرب آنهـا را «ربّ الوادی» می‌خواندشان به اَشکال مختلف بر مسافران پدیـدار مـی‌شـدند و آنـان را تسـخیر می‌کردند. قضایایی چون داستان تأبّط شراً و عبید بن أیّوب را می‌توان نمونـه‌هـایی از ایـن نوع تسخیرات دانست (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۸/۲۱؛ جاحظ، ۱۲۳/۵).

در مجموع براساس شواهدی که تا بدینجا ارائه شد می‌توان اظهار داشت که «جد» نـام

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

خاصی برای یک خدا بوده است. بنابر شواهد در شبه جزیره هر قبیله به صورت اختصاصی «جد» مربوط به خود را داشته است. نظر به وجه اختصاصی «جد» برای قبایل و عدم استعمال فراگیر آن می‌توان احتمال داد که جنس آن با سایر خدایان متفاوت بوده است چه آنکه نمونه مشابهی برای آنکه لات، منات، عزی، هبل، بعل و یا سایر خدایان عرب به صورت مضاف، مضاف الیهی به قبیله‌ای اختصاص پیدا کرده باشد را در کتیبه‌ها نمی‌یابیم. این داده به علاوه اطلاعاتی که از جن بودن جنس این خدا وجود دارد، این احتمال را تقویت می‌کند که «جد» ها، مخصوصا در نزد عرب خدایانی از جنس جن بوده‌اند که وظیفه محافظت، حراست و تامین امنیت از قبایل را برعهده داشته‌اند.

با روشن شدن این تعبیر اکنون می‌توان بخش مهمی از تعبیر آغازین آیه سه سوره جن را فهمید. اگر چه فهم کلیت این آیه نیاز به شواهد و داده‌های بیشتر تاریخی دارد اما حداقل به صورت یک فرضیه و براساس معنایی از «جد» که به دست آمد می‌توان احتمال داد که آیه مذکور درصدد ایجاد پیوند میان نظام توحیدی جهان جن و انس با یکدیگر بوده است. براساس آیات ۱ تا ۳ سوره جن، اجنه هنگام شنیدن قرآن به چند نکته پی بردند. اول اینکه با شنیدن قرآن فهمیدند که این کتاب، کتابی مقدس و حق است که به مسیر رشد رهنمون می‌سازد و دوم آنکه دریافتند «جد» که او را خدایی متکثر و برای هر قبیله به شکل اختصاصی می‌دانستند، یک خدای واحد است که بنابه تعبیر «**مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا**» هیچ فرزند و همسری ندارد.

مخصوصاً از تعبیر «**مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا**» در آیه سوم سوره جن می‌توان برداشت کرد، همچون خدای انس، که عرب مشرک برای او همسر و فرزندانی در نظر می‌گرفت. «جدّ» نیز که خدای جنیان بوده است در میان اجنه مشرک برایش همسر و فرزندانی در نظر گرفته می‌شده است. وجود «جدّ»های مختلف برای قبایل که در سنگ نوشته‌ها بدانها اشاره شده است می‌تواند شاهدی بر این باور مشرکانه در جهان اجنه به حساب بیاید. بدین روی همانگونه که پیامبر اسلامﷺ، «الله» را به عنوان خدای واحد معرفی می‌کند در نظام

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

اعتقادی اجنه نیز «جدّ»، همان «الله» معرفی می‌شود که می‌بایست او را از باورهای مشرکانه‌ای که پیرامونش وجود دارد مبری دانست. تعبیر آغازین آیه «وَأَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا» را می‌توان شاهدی برای اثبات یکسان دانستن «الله» و «جدّ» دانست. بدین روی برای آیه «وَأَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا» بر اساس شواهد موجود می‌توان چنین ترجمه‌ای را پیشنهاد داد: «همانا «الله» بلندمرتبه [خدای انس]، همان «جدّ» پروردگار ما [اجنه] است و همسر و فرزندی هرگز ندارد».

در مجموع براساس شواهد به نظر می‌رسد آنچه در این آیه به‌طور مشخص دنبال می‌شده است، صحبت از ایجاد نظام مشترک توحیدی میان جهان انس و جهان جن در ذیل حاکمیت «الله» می‌باشد. البته همانطور که در ابتدای جمع بندی نیز گفته شد، دیدگاهی که در مورد کلیت این آیه گفته شد، فرضیه ای است که با توجه به مشخص شدن معنای «جدّ» و برای نشان دادن ثمره فهم معنای این تعبیر در بازخوانی یکی از باورهای موجود در عصر نزول قرآن می‌توان بدان توجه نمود. طبیعی است که برای اثبات بهتر آن مجموعه شواهد و ادله دیگری نیز می‌بایست تدارک دیده شود.

نتیجه مقاله

فهم فضای نزول قرآن نقشی تعیین کننده در حوزه فهم قرآن دارد. بسیاری از ابهامات و اختلاف آرائی که در میان دیدگاه‌های تفسیری وجود دارد ریشه در آگاهی‌های ناقص از این دوران است. هرچند که امروزه گزارش دست اولی از عصر نزول قرآن وجود ندارد اما یادمان‌های تاریخی تا حد قابل توجهی مشکلاتی که در این زمینه وجود دارد را می‌توانند رفع نمایند. کتیبه‌های موجود در شبه جزیره یکی از مجموعه منابعی به‌شمار می‌آیند که امکان رفع این خلأ را دارند. به‌رغم اطلاعات قابل توجهی که کتیبه‌ها در اختیار قرار می‌دهند، اما این نوع از آثار کمتر مورد توجه قرآن پژوهان مسلمان قرار گرفته است. در این مقاله تلاش شد تا با بهره‌گیری از متون کتیبه‌ای، شمه‌ای از کاربرد آنها نشان داده شود.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

مثالی که در این مقاله برای نشان دادن کاربرد کتیبه‌ها مورد بررسی قرار گرفت، تعبیر «جدّ» در آیه سوم سوره مبارکه جن بود. این تعبیر که هم مورد توجه اهل لغت و هم مفسران بوده است به‌رغم تلاش‌هایی متعددی که برای بیان معنای آن صورت گرفته است اما دارای معانی مختلفی بوده است. عمده‌ترین معنایی که لغویان برای این تعبیر در نظر گرفته‌اند، بزرگی و جلال و شکوه بوده است. مفسران نیز به‌رغم معانی مختلف، اما به‌طور غالب همان معنای بزرگی را برای «جدّ» بیان داشته‌اند. این در حالی است که بررسی سنگ نوشته‌های موجود در شبه جزیره حاکی از آن است که اساسا به این تعبیر می‌بایست از منظر دیگر نگریست.

«جدّ» یکی از تعابیری است که به طور مکرر در سنگ نوشته‌های موجود در شمال شبه جزیره به کار رفته است. محتوای کتیبه‌هایی که این تعبیر در آنها به کار رفته است همگی دعایی است و این حاکی از آن است که «جدّ» در حقیقت نام یکی از خدایان مردم در آن منطقه بوده است. این خدا که در حقیقت، خدایی از جنس جن بوده است، عهده‌دار حفظ امنیت به‌شمار می‌آمده است و برخلاف سایر خدایان عرب که از شمول برخوردار بودند، خدایی قبیله‌ای به شمار می‌آمده است که هر قبیله‌ای به طور مجزا، «جدّ» مربوط به خود را داشته است. بر همین اساس بخش اول آیه سوم سوره جن «**وَأَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا**» که از زبان جنیان بیان شده است را می‌توان بدین شکل ترجمه کرد: «همانا «الله» بلندمرتبه [خدای انس]، همان «جدّ» پروردگار ما [اجنه] است».

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم
۲. عهدین
۳. آقایی، علی، خوانین‌زاده، محمدعلی، و مارکس، میشل، مقدمه: باستان متاخر و اسلام، در ۱۴۰۰ سال پادشاهی در عربستان پیش از اسلام، تهران، انتشارات حکمت، ۱۴۰۱.
۴. ابن حزم، علی بن احمد، جمهرة انساب العرب، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۴.
۵. ابن درید، محمدبن حسن، جمهرة اللغة، بیروت، بی‌نا، ۱۹۹۸.
۶. ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۰.
۷. ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم و المحیط الأعظم، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۱.
۸. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴.
۹. ابن قتیبهٔ، عبدالله بن مسلم، تفسیر غریب القرآن، بیروت، دار و مکتبة الهلال، ۱۴۱۱.
۱۰. ابن کلبی، هشام بن محمد، الاصنام، قاهره، دارالکتب المصریة، ۲۰۰۰.
۱۱. همو، نسب معد و الیمن الکبیر، بغداد، مکتبة النهضة العربیة، ۱۴۰۸.
۱۲. ابن منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۴.
۱۳. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، الأغانی، بیروت، دار الفکر، بی تا.
۱۴. ازهری، محمدبن احمد، تهذیب اللغة. بیروت، دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۲۱.
۱۵. العموش، خلود، گفتمان قرآن، بررسی زبان‌شناختی پیوند متن و بافت قرآن (مطالعه موردی سوره بقره). (حسین سیدی، مترجم)، تهران، نشر سخن، ۱۳۸۸.
۱۶. باطنی، رضا، مسائل زبان‌شناسی نوین، تهران، انتشارات دانشگاه، ۱۳۵۴.
۱۷. بحرانی، سیدهاشم، مدینة معاجز الأئمة الإثنی عشر و دلائل الحجج علی البشر، قم، مؤسسة المعارف الإسلامیة، ۱۴۱۳.
۱۸. پاکتچی، احمد، روش‌شناسی تاریخ، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۲.
۱۹. پیگو لوسکایا، نینا ویکتوروونا، اعراب: حدود مرزهای روم شرقی و ایران در سده‌های چهارم ششم میلادی، (عنایت‌الله رضا، مترجم)، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)، ۱۳۷۲.
۲۰. ثعلبی، ابواسحاق احمد بن ابراهیم، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن. بیروت، دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۲۲.
۲۱. جاحظ، عمرو بن بحر، الحیوان. بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۶.
۲۲. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۳۷۶.
۲۳. چایلد، ورگوردن، درآمدی کوتاه بر باستان‌شناسی، ترجمه‌هایده معیری، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۸.
۲۴. دلو، برهان الدین، جزیرة العرب قبل الإسلام، بیروت، دارالفارابی، ۱۹۸۹.
۲۵. دینوری، عبدالله بن محمد، تفسیر ابن وهب المسمی الواضح فی تفسیر القرآن الکریم، بیروت، دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۴.
۲۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۴.
۲۷. زبیدی، محمدبن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴.
۲۸. زید بن علی، تفسیر الشهید زید بن علی ﷺ المسمی تفسیر غریب القرآن، بیروت، دارالعالمیه، ۱۴۱۲.
۲۹. سید قطب، فی ظلال القرآن. بیروت، دارالشروق، ۱۴۲۵.
۳۰. شبلی، محمدبن عبدالله، آکام المرجان فی أحکام الجان، بیروت، دارالکتب العلمیة، بی‌تا.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]

۳۱. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد، المحیط فی اللغة، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۱۴.
۳۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۷۲.
۳۳. طبری، محمدبن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲.
۳۴. طریحی، فخرالدین بن محمدعلی، مجمع البحرین، تهران، مکتبة المرتضویة، ۱۳۷۵.
۳۵. طوسی، محمدبن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی‌تا.
۳۶. عبدالرزاق بن همام، تفسیر القرآن العزیز المسمّی تفسیر عبدالرزاق، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۱۱.
۳۷. علی، جواد، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام. بیروت، دارالساقی، ۱۴۲۲.
۳۸. فخررازی، محمدبن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰.
۳۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین. قم، نشر هجرت، ۱۴۰۹.
۴۰. فهد، توفیق، خدایان شبه جزیره عربستان پیش از اسلام، ترجمه محمدحسین مرعشی، نگاه معاصر، ۱۳۹۸.
۴۱. فیض کاشانی، ملامحسن، تفسیر الصافی، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۸.
۴۲. قاسمی، جمال‌الدین، تفسیر القاسمی المسمی محاسن التأویل، قم، دارالکتب العلمیة، منشورات محمدعلی بیضون، ۱۴۱۸.
۴۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۳.
۴۴. مسعودی، علی بن حسین، إثبات الوصیة، قم، انصاریان، ۱۴۲۶.
۴۵. مشکور، محمد جواد، فرهنگ هزوارش‌های پهلوی. تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶.
۴۶. همو، فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۷.
۴۷. مقاتل بن سلیمان، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*. بیروت، داراحیاء التراث، ۱۴۲۳.

48. Al-Jallad, Ahmad, The religion and rituals of the nomads of pre-Islamic Arabia: a reconstruction based on the Safaitic inscriptions, Leiden, Brill, 2022.
49. Gesenius, William, *A Hebrew and English Lexicon of the Old Testament*. (F. Brown, ed., E. Robinson, tran.), London, Oxford, 1939.
50. Leslau, Wolf, Comparative dictionary of Ge'ez (Classical Ethiopic): Ge'ez-English, English-Ge'ez, with an index of the Semitic roots, wiesbaden, O. Harrassowitz, 1987.
51. Macdonald, Michael, Taymā' II: Catalogue of the Inscriptions Discovered in the Saudi-German Excavations at Taymā' 2004–2015. Archeopress, 2021.
52. Nehmé, Laila (ed.), The Darb al-Bakrah. A Caravan Route in North-West Arabia Discovered by Ali I. al-Ghabban. Catalogue of the Inscriptions. Saudi Commission for Tourism and National Heritage, 2018.
53. Robin, Christian Julien, *Inventaire des inscriptions sudarabiques* (Vol. 8), paris, De Boccard, 2016.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-04]